

**TO THE READER**

**K I N D L Y** use this book very carefully. If the book is disfigured or marked or written on while in your possession the book will have to be replaced by a new copy or paid for. In case the book be a volume of set of which single volumes are not available the price of the whole set will be realized

**SRI PRATAP COLLEGE**  
**SRINAGAR.**

**LIBRARY**

Class No. 891.441

Book No. D 21 Q

Acc. No. 1600 2





4 JAN 2006



**SRI PRATAP COLLEGE LIBRARY  
SRINAGAR (Kashmir)**

## DATE LOANED

Class No. \_\_\_\_\_ Book No. \_\_\_\_\_

Acc. No. \_\_\_\_\_

This book may be kept for **14 days**. An over - due charge will be levied at the rate of **10 Paise** for each day the book is kept over - time.

[illegible]



قصه عجب کتب غریبه

من تصنیف لطیف شاعر نامدار محمد شعبان دار حساب مرحوم سکته پوشی شاه  
مسئله به 16002

قصه شاه بهرام

در حالات

حسن بابو

م

جنگ دیو سفید

حسب فرمایش

علامہ محمد نور محمد ناجوان کاتب

مہاراج رنیر گنجا زار۔ ہسٹریکسٹری

{ رافتم پیر علی شاه مخدومی خانیاری }

سایه پیرامون



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دینِ یم حُسن دلکش تیره خاں  
چہو مالک سار کوی اللہ اکبر  
بناؤں احسن التقویم آدم  
بستر تھاؤں ممش تاج کرامت  
زاو لادش چہ پیغمبرۂ مُرسَل  
محمد نام یس سردار عالم  
ز خواںش اولیا ساری نمکخوار  
شفیع عابدیان در روز محشر  
رضائی او چہ نذران پانہ رحمان  
نمن راضی خدا پانے ہر بان  
ابو بکر و عمر و عثمان رض  
برا و برآل و اوصیائش د مادم

نعت شریف

از فراق تو سینه چو دریا  
از فراق تو سینه چو دریا  
از فراق تو سینه چو دریا  
از فراق تو سینه چو دریا



بینہ درخواب یا رسول اللہ  
مثیل گلاب یا رسول اللہ  
چان اصحاب یا رسول اللہ  
سہر و شاداب یا رسول اللہ  
عرض و آداب یا رسول اللہ

شوق دیدارِ تو می‌چوم هر دم  
چانه دیدارِ بهشت دل‌فوله هم  
بھی سپرِ بدایتک انجم  
باغِ اسلام تازه بیه کر تو  
عاصیِ امت کران شعبان

سیدنا ایف کتاب

رفیقاه اکبره چوم یارب نهون شاد  
 بهرمن ایه میان زرگری پور  
 الهی زنده نهادن شاد و نور  
 و چوم سوی قصه از آغاز و انجام  
 به پنجابی زبان نت شعر منظوم  
 بکشمیری زبان ات ترجمه کر  
 و چوم ساروی به از آغاز و انجام  
 به تپکن روزه چالوسی یادگار  
 کریم بیت ترجمه ات کن گیمه سر

میان قصہ اسلام آباد  
نمس عبد الاحد چہوی ناو مشہور  
نمس عبد الغنی چہوی نیک فزند  
نمی جزواہ بدست من فتن نام  
ام بخش سو کرم نازہ مرقوم  
احد و چیم دیان ساری قصہ  
میان نسخہ قصہ شاہ بہرام  
چہ ساری عمر بے شک بے یارا  
یہ کت نمسز مہ ایم ہر ہفت نیر

رفیقہ بیگم چو بہار شمس لسن خان  
نعتیں نثر عربی ماہر و دان  
بجائے ہفت تہاں ہم پر صواب دل  
سودا غزل رنجدانی جو کلام میں  
بیاض گل حکیم کیا کہنت نہ کر قصہ پادشاهان  
کمالت لکن کہ سہ شمشیر بیکر  
شب اکبر نظم مصروف  
کرم برکت

مهر لعل  
و منن مسعوده نهاده مهر  
که منن طیاره منن اسیر  
منن شب بر منن شمع  
بر قدر و شب بر منن شمع  
چنین که در نامه  
و منن دوخته نام  
که گشت کیست ای دلدار

۱  
 پندین یاره بشان هم نصف  
 کس یاره صبا من الیه شریف  
 دس در صوم یکهن و گم مشکل  
 یغلاکن سوادده در یکسه نظام  
 بلا بی بی فرات

مقامه شریفه  
و راه علامت  
مقامه شریفه

بجای دانه‌ها و دانه‌ها را با دست  
چوباره اینجوری بکن تا به حالت  
دانه‌ها در بین دانه‌ها  
نماند و این دانه‌ها را با دست  
چوباره اینجوری بکن تا به حالت  
دانه‌ها در بین دانه‌ها



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

بهرادران در تمامه مایه پیرایه  
کلیکشن جمع می گردانند  
کر بسته سهاه یو که نه چاکر  
به زبان به ایران جمع می  
میوه بی بهنگامه نهنگ یوای

۶  
شده بر ام با صد غر و اعزاز  
که اسب ناز به سحر باران  
سفیده ز بوی خوش آید لاران  
سار می پیش آید جان  
چنگل پاش پاش اسپ جان  
بنادان پاش پاش سامان  
شاه مرصع سازد سامان  
پناه بر ام

سکون دین دین نماند  
چشم نماند

سکون دین دین نماند  
چشم نماند

سکون دین دین نماند  
چشم نماند



په گوت يامه فاند الوان پي  
دین نغوره کپاهه بابلای  
پین ناره دیکه چک مینو  
دین حسن شادمه سیه بی  
په گوت یامه فاند الوان پي  
دین نغوره کپاهه بابلای  
پین ناره دیکه چک مینو  
دین حسن شادمه سیه بی

و زبرد توره دلچسپ ایچاندار  
 به از شایان ماضی اسب مفرد  
 سپین حاضر به پیش تیغ اقبال  
 و دوان فوج چو فرمان شاه بهرام  
 بفرمانش سپاه یوگرتمش گیر  
 بصدا نازداد آن باد زقنار  
 شبه بهرام با صد عز و تمکین  
 بنه اک فوج نشین بامت نیراد  
 ز حشیم مردمان غائب سپین بام  
 سبزه و نهوشور زیر چرخ اختر  
 سپه سالار ساری ناله دیوان  
 چهره تراوان خون حشیم همچو باران  
 سپین ز میبد از بهرام ساری  
 سپین ماتم میان کویچه بازار  
 رعیت در قلمر جمله غمناک  
 پیوان چمک صورت ویت شیر

کردی زنی ذات پاکن بخت بیدار  
 و ستامت بگسل آس و مستور  
 کهنه بر بخت بدی نیک چندی فال  
 کردی این نوس بکشتن مرام  
 ای که بسته به پیش شاه چون شتر  
 پیکر در زیران شه چهره چهار  
 بفال نیک کهنه نس بر سر زین  
 دولت پرواز گو یا سپید واد  
 بشکر گو در آندم من این شام  
 و زیر نه امیرن مبول محشر  
 زور و شاهزاده آس و پوان  
 و چهرت پنهان واقعه خمیان ران  
 بسوی شهر و ده فیرت سواری  
 تو گوئی روز محشر گو پدیدار  
 و دن خرقن اندر پانس ل غناک  
 پوان چهره ک خرمین صبر سن پوان باد

گرس گرس گرس  
دله دله دله  
داره داره داره  
ميه ميه ميه  
آواره آواره آواره  
سپين سپين سپين  
چاچ چاچ چاچ  
چاچ چاچ چاچ  
چاچ چاچ چاچ  
چاچ چاچ چاچ  
چاچ چاچ چاچ

[illegible]

بهشت این جهان بهرام سلطان  
 دیوان این جهان بهرام سلطان  
 بیدین بهرام سلطان  
 زه این دیوان بهرام سلطان







به جهان هر چه نماند به سینه  
 به نایابان جهان به نایابان  
 به نایابان جهان به نایابان  
 به نایابان جهان به نایابان

سفیدین دیو چو پیرین گزیده اعلان  
 پیری نه دیو چو از حکم سالار  
 خواله کرک که سازن گو شمالی  
 دزان آسو سازنی بینا رطوبه  
 نگاران نارینان خوش لسان  
 بلحن خوش نمویان نواز آواز  
 بکیسایار بدید بوزه سویی نان  
 بلحن خوش کرک نغمه سرائی  
 ندائی ساز هم آواز در گوش  
 کنو بوزان اچھو کرک نغمه سرائی  
 دزن دیوس کنوی ایشا و شاهان  
 به بوزت گو سفید واریه شاد  
 سلیمان سو سمره همی بخزن  
 سوئی مخزن روانه گو سو گنجور  
 سفید لاکو بهر مس سو چشمین  
 پیری نه دیو چو پیرین بلحزار

پیو نغمه کر بو در پیش همان  
 لباس ناز لاگت آیه بسیار  
 نگار و پیشوازه لاگ نالی  
 سه مجلس شک بهشت ن پیر بو  
 مزین پیشوازه رونه دامان  
 سپن مرغ هواردت به پرواز  
 بمعه بهت نان سپن نبره می جان  
 کرن معشوقه آسے دلربائی  
 شیه بهرام بوزت گو سو بهوش  
 به بوزت شاهزاده گو پریشان  
 کنو بوزان بو بهوش چشمه و نشان  
 هماندم نم کرم گنجوری یاد  
 بجدی گرفته سو سمره پیش مس آن  
 به پیش دیو نھاون سمره نور  
 ازان سمره نمس گبه چشمه روشن  
 چهره کن کند صف میان باغ بسیار

ای دیو چو پیرین گزیده اعلان  
 پیری نه دیو چو از حکم سالار  
 خواله کرک که سازن گو شمالی  
 دزان آسو سازنی بینا رطوبه  
 نگاران نارینان خوش لسان  
 بلحن خوش نمویان نواز آواز  
 بکیسایار بدید بوزه سویی نان  
 بلحن خوش کرک نغمه سرائی  
 ندائی ساز هم آواز در گوش  
 کنو بوزان اچھو کرک نغمه سرائی  
 دزن دیوس کنوی ایشا و شاهان  
 به بوزت گو سفید واریه شاد  
 سلیمان سو سمره همی بخزن  
 سوئی مخزن روانه گو سو گنجور  
 سفید لاکو بهر مس سو چشمین  
 پیری نه دیو چو پیرین بلحزار

ای دیو چو پیرین گزیده اعلان  
 پیری نه دیو چو از حکم سالار  
 خواله کرک که سازن گو شمالی  
 دزان آسو سازنی بینا رطوبه  
 نگاران نارینان خوش لسان  
 بلحن خوش نمویان نواز آواز  
 بکیسایار بدید بوزه سویی نان  
 بلحن خوش کرک نغمه سرائی  
 ندائی ساز هم آواز در گوش  
 کنو بوزان اچھو کرک نغمه سرائی  
 دزن دیوس کنوی ایشا و شاهان  
 به بوزت گو سفید واریه شاد  
 سلیمان سو سمره همی بخزن  
 سوئی مخزن روانه گو سو گنجور  
 سفید لاکو بهر مس سو چشمین  
 پیری نه دیو چو پیرین بلحزار

ای دیو چو پیرین گزیده اعلان  
 پیری نه دیو چو از حکم سالار  
 خواله کرک که سازن گو شمالی  
 دزان آسو سازنی بینا رطوبه  
 نگاران نارینان خوش لسان  
 بلحن خوش نمویان نواز آواز  
 بکیسایار بدید بوزه سویی نان  
 بلحن خوش کرک نغمه سرائی  
 ندائی ساز هم آواز در گوش  
 کنو بوزان اچھو کرک نغمه سرائی  
 دزن دیوس کنوی ایشا و شاهان  
 به بوزت گو سفید واریه شاد  
 سلیمان سو سمره همی بخزن  
 سوئی مخزن روانه گو سو گنجور  
 سفید لاکو بهر مس سو چشمین  
 پیری نه دیو چو پیرین بلحزار



بیکی را در دل جهان  
 بیگم مشغله زاجل  
 از آنکه کسی بماند  
 روانه می کن در جای غایت  
 یکنس پس بوی گشت زان  
 بخت پی پی است که در  
 خزان صحرای بیابان  
 گریه می بارید که آب

از خنده بخشک زندگی  
ای جان من جانان من  
ون کشته گی بر ناله پیر  
ای جان من جانان من  
لگیموت سودر دامن بلا

عاشق چہ بہ ہر تشرمنگی  
مژہ را و و ن غنچہ دہن  
آبر و کمان مژگان چہ تیر  
سینہ سپر چہ پی عاشقن  
شعبان چہ گوشت مستند

قصه	مرو کلا و نین جانان من
-----	---------------------------

بقیہ  
وَن اَن کَر  
ای جانِ مہر

شبهانه منگه ناولن خوان لغمت  
کبات مرغ و ماهی نازه بریان  
انان حاضر نه سرگل سن ازه  
سفیدان عرض کر باشاه بهرام  
اسی یه خوشش بدل کرش منظور  
تزه پالش سیت تن و ان اولام  
کرپون و ان شاد و خوشم میانهمان  
تو همه منزه پس اکس کره پانه منظور  
کرپون و ان شاد و میانوی ماه و الحاه

نمازم روز که در عیش و عشرت  
بلاّت آس گو یا بختک خوان  
ملوان آسه لعن نازه نازه  
ز شور و دلش نغم فارغ پس بام  
بمخمل بیه چیه پر به نشاد و مستر  
خلو نخانه اژه دن کزده آرام  
وزان پس و نونه پرین کن بعلان  
بعثه و لغز بی نس کریه پور  
بخلوت سی گز به نس سیت هله

مصفا اب باکل سورتین  
کتابان جامه زری سورتین  
سفیدان سورتین خلعت شایان  
چهرت ابرار کرمه  
نیز خلعت بجامه کرمه  
نیز خلعت الماس کرمه  
نیز خلعت زنجیر زنجار کرمه  
نیز خلعت کرمه زنجار کرمه  
نیز خلعت کرمه زنجار کرمه  
نیز خلعت کرمه زنجار کرمه

[illegible]



دو ميس لغمه جهان عيشن عزت  
 مقرر هر صبا ش خلوت نو  
 دو ميه اكه كرسه ديون عرض ميت  
 بكوه فاف آسن چوم برادر  
 ميه كنه ننت چاره چومنه دم ميه رخت  
 دن پرين نه ديون نس ننگار  
 بكوه فاف نيرن چوم ميه مجور  
 شه بهرام ميانوي يار دلدار  
 كرو در خدمت او جانفشاني  
 ديوو جتو نه برپو دلو كه افزار  
 كمر بسته حكمتش از دن جان  
 بنوي بوزن تمن نم كنه رخت  
 ميه باغاه نو چوم كرم غلزلين باغ  
 بخت از لعل و جوهرت چيه ديوار  
 ز بهم و زر كرم ننت منر عمارت  
 ز بهم و زر بخت كوهر چومو تعبیر

شبانه نس صنم آسن بخلوت  
 چوم سوزان ديوان طمعه ياقا  
 براي چنډ كه بختنم ميه فرصت  
 گز مهن چوم نو لازم نس چوم غايد  
 بري نه ديون تهومي بخت  
 بگوشت و هوش بوزو ميانو لغزار  
 كرو نو ه خدمت شهزاده دن پور  
 نهر دار نهونه و نس كنه آزار  
 برپوس دن لول كرس قزاني  
 چيه اس چاكار اسد بر ما چوم سردار  
 چيه تابعي ار اسند ز بر زمان  
 دن نس شاه بهرامس بخلوت  
 چوم بلغ جنتس بر دل از ان داغ  
 وني كياه بونمك انهار و اشجار  
 نه از شاهان عالم كس چوم طاوت  
 اگر گاهي گر خشك زين جاي دگر

گند يا صبا ننت استكان  
 چوم سوزان ديوان طمعه ياقا  
 بگوشت و هوش بوزو ميانو لغزار  
 كرو نو ه خدمت شهزاده دن پور

چين بياست كمالت  
 زه شعبان كمالت  
 نديس با حسن بانو  
 در بيان ملاقات كرون  
 بين هرامس با حسن بانو

9  
 چوم سوزان ديوان طمعه ياقا  
 بگوشت و هوش بوزو ميانو لغزار  
 كرو نو ه خدمت شهزاده دن پور  
 نهر دار نهونه و نس كنه آزار  
 برپوس دن لول كرس قزاني  
 چيه اس چاكار اسد بر ما چوم سردار  
 چيه تابعي ار اسند ز بر زمان  
 دن نس شاه بهرامس بخلوت  
 چوم بلغ جنتس بر دل از ان داغ  
 وني كياه بونمك انهار و اشجار  
 نه از شاهان عالم كس چوم طاوت  
 اگر گاهي گر خشك زين جاي دگر

نديس با حسن بانو  
 در بيان ملاقات كرون  
 بين هرامس با حسن بانو  
 چوم سوزان ديوان طمعه ياقا  
 بگوشت و هوش بوزو ميانو لغزار  
 كرو نو ه خدمت شهزاده دن پور



بمقامی عشق کی پوچھ گچھ  
بہارِ افشاہ ماہ از بدین برکش  
کیم کی تلمیح است نہ  
کوئی سادی بہ بوزن اسرار  
چراغ ہر ام چوک دولت پہنشان  
لوگت متنی ساری شاہ نو بیان

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

وئی کبہاہ سرفزنت باغسہج مرغیاب  
 بیج سہری نوگوئی سہر محل  
 دران پان زادہ ہر سوچہ نہ ریش  
 بد بنا در نظر اسس نہ از نام  
 پکن گوہر نہٹھہ ڈیٹھن نم عمار  
 وچھن اک خشت از زیباک مین  
 بتھی پاٹھن بنا دوقضراہام  
 بہوی ماآسہ بے شک باغ جنت  
 وزان پس زاواندر صحن منراگ  
 سوچشمہ زن چہو پرازا آب جہان  
 سوچشمہ آئینہ خونہ آسورون  
 وچہرت بہرام فکرن منکران غور  
 وچھن تہہ کوثرہ بابال زین  
 نموٹھہراو ساتھہ رٹو کہ بہرام  
 بیک لحظہ کڈک نہک روہ خامش  
 و زن چھک اک کنن مہ گوہر ناگاہ

[illegible]



خط فرقت میان موی تابان  
 کمان ابروان با طاق محراب  
 در شنده جبین نس مطلع نور  
 بمو سستی کرن پامنت انشاه  
 ز نیزه نیزه نمند چه مژگان  
 بنبر زل چمنه نس سمرت و شرار  
 دمس تشبیه کرد با چشم آه  
 سیه با جام با نرس و ننگال  
 و چمن نمند و نه که نا بهر مشکل  
 نسر بنی چه گو یا خنجر نیز  
 و هن غنچه چهل لعل بخشان  
 و در و ندان تند نیزه رنجشان  
 گزین عاشق چه زنده از نسیم  
 و فن نمند چه زن بیب معطر  
 گلاب نازه فلک حسن ز شزار  
 بر بر زلف مشکین نس کنیز

پسین ظلمانه منزلن جوی حیوان  
 ننه بر قتل عاشق تیغ ضراب  
 ننه آیینی منزه تابش نور  
 گزین در دم چه عاشق کینت  
 ازان نیزه کرن صحن بیکان  
 نه و پشت هر نه در جنگل چه بهار  
 کرن تسخیر دل با چشم جادو  
 و نس ن کیا ه زانی چه گریه لال  
 و چمن نس کن نس بنجرین ل  
 برای قتل عاشق تر چه خنجر  
 شکر زبان و زل با قوت و جان  
 عجب تابنده زن برق بخشان  
 چه طوطی کل گدازت نکلم  
 هر چه منزه چه نس سر غنچه مایه  
 ننه مانا دانه یا گل نار  
 پسین اندر زلف کجور زن حور

ازین است که در میان موی تابان  
 کمان ابروان با طاق محراب  
 در شنده جبین نس مطلع نور  
 بمو سستی کرن پامنت انشاه  
 ز نیزه نیزه نمند چه مژگان  
 بنبر زل چمنه نس سمرت و شرار  
 دمس تشبیه کرد با چشم آه  
 سیه با جام با نرس و ننگال  
 و چمن نمند و نه که نا بهر مشکل  
 نسر بنی چه گو یا خنجر نیز  
 و هن غنچه چهل لعل بخشان  
 و در و ندان تند نیزه رنجشان  
 گزین عاشق چه زنده از نسیم  
 و فن نمند چه زن بیب معطر  
 گلاب نازه فلک حسن ز شزار  
 بر بر زلف مشکین نس کنیز

پسین ظلمانه منزلن جوی حیوان  
 ننه بر قتل عاشق تیغ ضراب  
 ننه آیینی منزه تابش نور  
 گزین در دم چه عاشق کینت  
 ازان نیزه کرن صحن بیکان  
 نه و پشت هر نه در جنگل چه بهار  
 کرن تسخیر دل با چشم جادو  
 و نس ن کیا ه زانی چه گریه لال  
 و چمن نس کن نس بنجرین ل  
 برای قتل عاشق تر چه خنجر  
 شکر زبان و زل با قوت و جان  
 عجب تابنده زن برق بخشان  
 چه طوطی کل گدازت نکلم  
 هر چه منزه چه نس سر غنچه مایه  
 ننه مانا دانه یا گل نار  
 پسین اندر زلف کجور زن حور

ازین است که در میان موی تابان  
 کمان ابروان با طاق محراب  
 در شنده جبین نس مطلع نور  
 بمو سستی کرن پامنت انشاه  
 ز نیزه نیزه نمند چه مژگان  
 بنبر زل چمنه نس سمرت و شرار  
 دمس تشبیه کرد با چشم آه  
 سیه با جام با نرس و ننگال  
 و چمن نمند و نه که نا بهر مشکل  
 نسر بنی چه گو یا خنجر نیز  
 و هن غنچه چهل لعل بخشان  
 و در و ندان تند نیزه رنجشان  
 گزین عاشق چه زنده از نسیم  
 و فن نمند چه زن بیب معطر  
 گلاب نازه فلک حسن ز شزار  
 بر بر زلف مشکین نس کنیز

ازین است که در میان موی تابان  
 کمان ابروان با طاق محراب  
 در شنده جبین نس مطلع نور  
 بمو سستی کرن پامنت انشاه  
 ز نیزه نیزه نمند چه مژگان  
 بنبر زل چمنه نس سمرت و شرار  
 دمس تشبیه کرد با چشم آه  
 سیه با جام با نرس و ننگال  
 و چمن نمند و نه که نا بهر مشکل  
 نسر بنی چه گو یا خنجر نیز  
 و هن غنچه چهل لعل بخشان  
 و در و ندان تند نیزه رنجشان  
 گزین عاشق چه زنده از نسیم  
 و فن نمند چه زن بیب معطر  
 گلاب نازه فلک حسن ز شزار  
 بر بر زلف مشکین نس کنیز



[illegible]



صاوق سیدین  
والا از حسن بابو  
مطہا

خطا کیا کہ وہ دین چیمہ کرم سران  
 دینم جامہ مہ چیم امید چانی  
 تہ از راہ کریبی کرمہ آزاد  
 مہ عشق چان اندری از جہن  
 دل مضطر مہ کرمی زری حوالہ  
 پرت پتوس دور پنی خانمانہ  
 انوس دیون تولت کرم عجیب  
 دن عشق چان کرس سخت للچار  
 مہ عشق چان ڈالیم دن سرش  
 نظر رد کرمہ پٹ روزم ہربان  
 سہ چیم شرم گئی دن شرم گئی  
 سہ چیم خور گئی شرم گئی نرا  
 بدب خندہ کرم زندہ دوبارہ  
 ثلی کتوزال زری بو مرغ بے بال  
 بلم بیمار از دل نہ ظلم شر  
 ز سر ناپا و چھون نمہ شکل بہرام

[illegible]

کینه با کینه باز با باز  
کنند به چرخش با چرخش  
زینس زنی نهاد و نمودن  
احسن تمام بگذردی که همه آزاد



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن  
مدرسة للعلماء وداراً  
للهدى وكنزاً للعالمين  
وآية للعالمين

سورة الفاتحة

دین چھک نارین ہنر ذات عالی  
 خدا یں در ازل مخلوق ناری  
 ملائک تم کرن از نور اظہار  
 بنادین احسن النقولیم آدم  
 ہمہ مخلوق نس کن سجدہ و این  
 چہ بیشک اشرف المخلوق انسان  
 چہ بیشک حکم بردار و مطرود  
 سلیمان نبی از حکم پردازان  
 سو بیشک آسوخاکی نسل آدم  
 زہ کرا نصاب بالی پوشہ مالی  
 اسر و دن پانوا فی میول ان تل  
 دیوس بانویہ فیرت چہن ہر سن  
 بنو لکن کرک ما ہیو فانی

بیهوشی و بیاداری  
و بیاداری و بیهوشی

۱۲

حاجت را در دل  
چاکر چاکر  
نشین ای بار خانی  
یکین بعد از آن  
صل من غفر خالص  
بنی نه صل من غفر خالص  
نگاه اول به نظر می آید

دین بهرام پسر ای بار جانی عجب شیرین سخن چاد و بیانی

[illegible]



جواب شاہنشاہ بہرام شاہ

دپس بهرام شاهن روز خرم  
 رڼوم پت میل نفس گسین  
 به چانی رای نی برن به منظور  
 به بوزت حسن باله گشته طاشاد  
 دپون بهرامس کن ایالیر من  
 بیهم جامه چغت نهو جامی خلوت  
 بیهم جامه نهون درین محکم  
 بیکیا بیهم باهم یار و دلار  
 سین مرهون اکساک و امقون  
 روان زاینجا سین بهرام دلشاد  
 سین حاضر نی و بر طر بنه سانی  
 انک خواهنای لغت گینه گینه  
 گیون باهم چپه ون بالینه بهرام  
 سین سرشار دل چپه ک خوشتر

مریہ پٹ منظر فی دل نہایت پیغم  
 غذائی دیدہ چھوم وں چاندیدار  
 زہ بر شادی زدل اندوہ کردور  
 زرنج و غم دل شود کرنے آزاد  
 بچہ پس شرمندہ عربانہ مریہ پیغم  
 دوچشم و دم بویہ پرست عورت  
 دوچشم نمہ نال لاکن گبیہ پیغم  
 سپین باہم اکس اک محو دیدار  
 دو شیلون میل انزوں لبیل منچین  
 کرن تخم مطرب نہ ساقین ناد  
 زعشرت رویدہ سامانہ باقی  
 بلذت خوان جنت خوش نشگونہ  
 فرن حی از صراحی نازہ در جام  
 نثراب ناز چیت تخم ہر دو مخمور

کران قیال آسی نقش نرانه  
بریکن ایبات رنگین غاشقانه  
سغیپرس واسخ به به نیاری  
تیز چمن بهرام چمن بیک  
زده سبزی ارغوان غنچ غنچ  
سوی عاشق چوبه بین  
زده و نشیان

سنبه به  
به باغ داناں و بهرین جوی  
به سینه سار و بیابان  
به چنگل حسن و بهرین  
به چشمه یابان و بهرین  
به دشت سبزه و بهرین  
به دشت سبزه و بهرین  
به دشت سبزه و بهرین  
به دشت سبزه و بهرین

[illegible]

این کتاب را در روز جمعه  
 ماه مبارک رمضان سال  
 ۱۰۰۰ هجری قمری در  
 شهر تبریز در منزل  
 حاج میرزا محمد باقر  
 صاحب دارالعلوم  
 کاتب شده است  
 محمد باقر



ایران و اردو سستی کا ادبی مضامین

[illegible][illegible]

Handwritten text in Arabic script, likely a continuation of the previous page, featuring dense cursive calligraphy.



چو پستی بخاوردن  
مجنبت نخواهد بود  
در اندام من باز می پرورم  
که سوی بهر نادان یا گول اندام  
زین امر کسی کن نیست مانع  
حق الهی نهیون را لغو نرانند  
پس هر کسی ای جان جابان  
راضی گردد بر این روزگار

به سادی باغ نیدن عمارت  
 خنای و لولو کوهره  
 بین یلم هم دو دولت و عشرت  
 به است خال زن سنگ به مهرود  
 بی بین نه بی لون کی به فرمان  
 کی به دست به سزین از انوار  
 به دی نه

کانه گویا تو نیک بگفت  
تو نیک بگفتی و من  
تو نیک بگفتی و من  
تو نیک بگفتی و من

گڑبھم آسن مہ سہی البشاہ شاہان  
نیلون ناچرخ ہفتم نم سٹھاہ شور  
وچہت بہرام گو سوی حال خاموش  
وژن بہرام شاہس تھاوون گوش  
ژہ و نو می گزفہ بباغ نوزادہ  
ژہ کردن ات اندر کنہ چھی ملمت  
مہ نس پت مہ نفاہ گپہ پش گرفتار  
عشق او کرم سوی باغ نغمبر  
برائی او مہ ہر دم چہوم جگر خون  
قسم ما دم مہ از شاہ سلیمان  
یہ کت کر بوزہ ہے ایجان جان  
لگمنہ چارہ کنہ ات گوس لاچار  
مگر دروام بن ہوش پتہ دنوار  
سہ کر مرز بن چیم از بخت فیروز  
ہمائی بس ہمایون مہ کرم صید  
دین نس یک بونی دانے بدنبال







گزهم پندوش کشی ننگی زده دین  
 اگر می پندوش گزهم از تیغ ماره  
 دیس نمده نوره ای پختن نایان  
 دمار من دابنه فی الارض لوزان  
 چه سالوی جان نان سینه یاور  
 به بوزت گو دیرس سخت خاره  
 دیس سینه از انجا دراد بیرون  
 خجل شمرنه گوشت دراد و بار  
 بیرون چهوم مشوره چهوم سینه کش  
 نموده پس مدهون بهیده گفتار  
 کون کیش میگینه کیش بنیمس  
 زمانه آسه بددی زدی گروان  
 مگر گزده قید نهاده چند آیام  
 مشیر و یام و دیس مشوره جان  
 کژان گزده از حرم و ن پانولان  
 حرم برس پت و شامت نهون سر

ز قحط نان زده نیری جان بیکان  
 کرسی فرزند همت دن پاره پاره  
 دوزن چهوک لاف چهوک رطل شیطان  
 بمسینه یانه رزاق رزق سوزان  
 زده کس چهوک نیر بیرون ای باختر  
 قضیوت کت سینه یاسه یاره  
 سینه زن پاره آتش جگر خون  
 مشیرن سینه بادن به سرار  
 پس دین ماحه نیرن کبک کش  
 تنهس قوس نه فعلس تنی چهو نیر  
 ازین نکته چه نه عرش عظیمس  
 سه مارن کر چهو قول فعل مرزان  
 تلوت محنت مضر گزده سی ام  
 بهر تنگان دین نامت به فرمان  
 بمع فرزندین گزده سوی زندان  
 حصیر و گاه کز رس جای بستر

ز قحط نان زه نیری جان بیکان  
 کرسی فرزند همت دل پاره پاره  
 دود چو کلاف چو کدو اصل شیطان  
 بمسند یانه رزاق رزق سوزان  
 زه کس چو کدو نیر بیرون ای بدتر  
 فضیحت کت سین رسا سواره  
 سین زن پاره آتش جگر خون  
 مشیرین دستن بادن به سر  
 بمن دین ماحه نیرن کبک کش  
 بنهس قوس نه فعلس شی چو نیر  
 ازین نکنه چه نه عرش عظیم  
 سه مارن کر چه قول فعل مران  
 نلک محنت مضررت گز نه سی ام  
 بسترنگان دین نامت به فرمان  
 بمع فرزندین گز نه سوی زندان  
 حصیر و گاه کر زس جای بستر

[illegible]

رایت چہین و شیریں  
 بیک نمان چہین و شیریں  
 شاگرد صابر اندرین باب  
 سہ سہ سہ سہ سہ سہ  
 بیچی پانچ اس سہ سہ  
 منقبہ اس سہ سہ سہ  
 سہ سہ سہ سہ سہ سہ  
 سہ سہ سہ سہ سہ سہ

[illegible][illegible]



زده که بود بیدار  
و نس و ناله  
ناله و گونش لاله زار خاطر مهر غم  
کون تا صبحدم با هم چه گفت بات  
سفيده او از هر ملاقات  
من بهرام نشسته چو گل انگیخته آب

بواز عصیان گزینہ ہنسین ز نایب  
 الہی با چہ چانی پادشاہی  
 بواندر عاثری آس سٹھاہ ننگ  
 بہ قصہ بوزہ ناول شاہ بہرام  
 و نان می اس چشمہ اشک نال  
 کرن اندر دعا نثر ہنقراری  
 خواوٹا ژہ پھوک یخا و عالم

۲۰  
کریس پیرامون شاهین مرغی پندار  
نقارین و انشاد و مژده بخت  
و نس دلجو سفیدین کتفه میجر  
نقارین و انشاد و مژده بخت  
ان نم که پادشاه و پادشاه  
یک نم اسپ لاکویش  
نمود بر پشت زین زین باین  
سزغن نم نقارین طره نقارین  
کودک و ده و ده و ده و ده

دنان راوی بباغ زیسته بهرام  
 شے خفته سو در زرین عمارت  
 بوقت نیم شب آشفته بیدار  
 پس مضطرب کن خم بقراری  
 بر زهن چسب حسن با لای گل انار  
 چہبت احوال جانوی چسب شیرین  
 دن بهرام تہوں لعل گوس بنیاب

کشتاده دیوگان دردم نمودار  
 کران جولان هم کسرتنگ با باین زین  
 سواره هم کسرتنگ با باین زین  
 زین باین زین کسرتنگ با باین زین  
 به نارس ما و در دقت ضربه  
 گزیده دردم بود با باین زین



بوقت صبح می از خواب بیدار  
شدم و دیدم که در آغوش  
مادر خوابیده و در آغوش  
مادر خوابیده و در آغوش



درنگی که من در آن نشسته بودم  
در آن روز در آن روز در آن روز

کتاب که سفیدان بیت کردند  
 شبه بهرام بهر گورد و مانگل  
 نهون در خانه بیت کن ما کفام  
 دیان و نهون بازرس منتر شو بسیار  
 مکانش بیت بهت منتره رخسار  
 کنن بانو به گوئی شوری و غوغا  
 بزودی در ده زحانت طاق ترائین  
 و چمن بر طاق سی زین به رخسار  
 سپین تخت ششاره پشت بهت  
 نهون پوشیده دل خوش رخسار  
 وزیرین خانه دارس خاوی ناد  
 زه کیا واتی بزودی نهون بهت  
 دیس سروانی ایشاه شاهان  
 چو سو جاگر جوانا خوب منظر  
 بوقت صبح سو از خانه سوی راه  
 وزیرین و نو سوئی سالار شکر

کتابخانه  
مکتب  
مکتب  
مکتب

۲۲  
په سالار و فی جی سنگخاره پوره  
ن صندوفسی خمر باره باره  
لرین بعد چوچون بالچه پورم  
بیا س بعد چوچون بیا س  
چونت گیه زن دایان بسیار بنیمیر  
چونس اصل باناز  
لاکن لیا س اصل باناز  
سزمن نه تیره مردان  
سزمن نه تیره مردان

[illegible]



ز نادانی به کت بوزت زه باری  
 به نهم چپوی بوزت ای نسل شیطانی  
 دشت نامت مبه تره آسمنه الیان  
 به چپس بهرام شاهن اک پرستار  
 از ان پس نادر دت نمه تیونان  
 به ساردی و نره بهر من منجنت  
 دنت سی هتونه رخت نلنه پرواز  
 سپین دلشاد بهر من طرفدار  
 وزیران حکم ذلوفو جس من نیز  
 بهر خانه نیهی بهرامش زبایون  
 انش یس سرزنت سوی ملک کار  
 سو سروان زوره زوری کو کجکل  
 ز سر ناپا و نمن چپوس قصه سران  
 وزیره ت خوف کرسنه ذل  
 فراق یار جانان نس من شاق  
 بدل پیدا سپین نس بنقراری

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible]

رضاى فاضل  
میر بایست حق  
گرفتین در حق  
کرت نام با ایلان  
چو کت بنشیند  
چو میانی بابی  
چو پیری در زین

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
آله وصحبه وسلم  
أما بعد  
فإن من جملة ما ينبغي أن يعلم  
أنه لا بد من معرفة  
الصفات التي يجب أن تتوفر في  
القائد المخلص  
وذلك ما سأذكره في هذا الفصل

کتابت علی کرمین و در دیوار



هستی  
سپین و شاد دلبه در دامن خفا  
نهی حاجی از چشمم که چشم زای خفا  
نخالف سینه و دیر از چشم خفا  
بدیاری ای ساری از بندیتان  
وین ساری مبارک صد مبارک



خج عقلت طالت عین زان ای که زنده بود  
 در این عالم عشق منم که زان ای که زنده بود  
 در این عالم عشق منم که زان ای که زنده بود  
 در این عالم عشق منم که زان ای که زنده بود

حرم یسه آس در زندان محزون  
 کدک از جیلخانه سی باغراز  
 کرس بهرام شاهن غنچه ای  
 ز بهر من تحت زه اثر محنت  
 رشن در بر سو فرزند آرام  
 نشسته ز نه بیه آس نه زنی نه بکار  
 دین دیون کجول بیه نابکار  
 کرن نشسته انطام سلطنت  
 دوین کبوترن کرن نشسته بانی  
 بدل نس عشق بالو پیویش نام  
 اندر کن در بخیر پیو سو پاکل  
 دین بهس عقل و نری عشق شلو  
 خداین چهی زه دژ شهراری  
 دین چھوس عشق چھوی مجنونان  
 به کرمت دعه چھوی نین کوفانی  
 کدورت و در کرمر دانه دن بر

بنام ای دایه بیرون  
 دوباره بطحه سی برسد ناز  
 به محنت آس لغت بر ای  
 زه کرمن بعد دن آرام جنت  
 کران پو سه آسوی سو بهرام  
 کجک بیرون نخی ناباک مردار  
 نمن دیو و دند و بیت کر که پاره  
 رعایا جمله ساری شادی و مسرور  
 دیوان آس و داد عیش کامرانی  
 همانیم راو نس راحت نه آرام  
 سپن عشق نس نه غفلت بکفم مل  
 بهت کر پادشاهی لاج و غم نراو  
 زه کر آرام کت بیت مک منواری  
 زه کرمت دعه چھوی کت که زان  
 زه کر آینه جالس صفائی  
 ای مطلب کف دن مژده بیت خبر

چهره که زان ای که زنده بود  
 در این عالم عشق منم که زان ای که زنده بود  
 در این عالم عشق منم که زان ای که زنده بود  
 در این عالم عشق منم که زان ای که زنده بود

بیمان عاقلان و نر عالم پرور  
 کرمان پیران و نر عالم پرور  
 کن دن و نر عالم پرور  
 نیت و نر عالم پرور  
 پین و نر عالم پرور  
 سیه و نر عالم پرور  
 پین و نر عالم پرور  
 سیه و نر عالم پرور

کرمان پیران و نر عالم پرور  
 کرمان پیران و نر عالم پرور  
 کرمان پیران و نر عالم پرور  
 کرمان پیران و نر عالم پرور



کتابخانه  
مجلس شورای اسلامی  
تهران

۲۶

دُنْ ساروی نمن اسرارِ نهبان  
 نَمُو دِلِ پُوسِ شہا بَرِ هکت چھ کر جان  
 رِجِدِ مَدَنے از بختِ سبِ اَر  
 دُوبارہ وَاں جانی چانِ تَنوار  
 بُو کر لُسِ عَشَقہ زورِ نِسختِ مَار  
 اَلونِ فرزندِ نِپوسِ تاجِ بَرَسَر  
 وَاں اَسی حرمِ زُطھ بہر بہرام  
 دُنْ بہرِ مِسی اِی دِلِ بَرِ مَن  
 خِبرِ چھئی کِیترِ خواری تَجْمہ زِی بَت  
 بَرِ نَدانِ پُنجالہ تَجْمہ خواری  
 دُوبارہ نارِ ہجرانِ کر بُو زالی  
 کَرَن بہرام چھوس از حدِ دلاسا  
 مِیرا نَدیشہ مالکِ نِھادِ سارہ  
 ہونِ بَرِ نِخت مالکِ پُرجاوی  
 دُنْ دِلِ بُو سِفیدِ سِ نَمِ مہِ ہِمراہ  
 تَنوِسی مہِ نَمِ مَنہ نِت با بارِ سِہم

[illegible]



چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر

عاشق بیچاره میکنم پیوسته در کوی تو  
 برو زو شب بخفی باطن مژری  
 بری نه پیوسته اسب بخت  
 شنه بهرام باغش منزه لاله

فیس حیا فرما چها دیوانه شعباندها  
 کران آسما شکبازی به قفاری  
 بکلیت تو شلی روان بخت  
 بیاشعبان زودن با پیته حال

### داستان ریمان رسیدن حسن بانو در ملک خود

دیوان روی ز فاریش بایه طیران  
 بخانه و از با صفا دمانی  
 گیس خوش موج با مریط طهر کور  
 اکس اک سده دیوان چه کس طلال  
 میان بهر لاگله شاد دبان  
 و سه واسه سخی بس جمله محرم  
 پیر ما در سند پیر آسو محزون  
 سین آزاد از غم رنج گیدور  
 کران بانو بخانه پورا رام  
 بروزو شب منس آسوی سوانده

سه کونرواژ اندر بهر لاران  
 بروزو شب فانی گبه روانی  
 رشن در برین دلشاد میسرور  
 سین خوشنود بالکل شامی  
 برن میکنم کران خالی خزان  
 و چغت نمه حسن بانو روز به خیم  
 بروزو شب بهر آسو محزون  
 دل و بران تمن گو باز محمود  
 ولی در دل تنس چهوس بهرام  
 و سن سنتی نبرن سوی دوان بهر

چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر

چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر

چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر  
 از چشمه زین وقت از راه کوه سحر



[illegible]

۲۸  
 کجاست که خوان از غم نان است  
 دوباره که ای آده بود فیرت  
 درین اندیشه بود پس پریان  
 زده دین دین مشهور اجماعه نایان  
 بن گیس مشای شاه عالم  
 کزین کجیر زده پای محکم  
 این زده نایان

[illegible]



دل و جانانه عشقن کر سه شیدا  
 زه رستوی کرده هجوم آرام خلس  
 ز دیده چس کرانی شکبازی  
 بو کر مزه در چون لبه لعل خون  
 بو ناگس منزه پریشان چس مبهال  
 ز لبخا چس بو مهرس منزه خیار  
 بو در بنجان سیدون بکاول  
 بو اسس نش لب فیرن جهل  
 بو چس زین العربت گرم حمام  
 بو چس عذرا ز عشق بارشیدا  
 وزن از عشق چس چون شمع کافور  
 بنبرزل نو بهاس منزه پیران  
 حسن با نوچه پران زن نریدان  
 بیا نقعبان به گل زن لسته دزام

گزاهک ناگهانی دن زه پیا  
 بو چس بران زن منزن فیه خلس  
 مه دانه چانه زه هم بهقراری  
 و نم کس حال مخزون پیش مجنون  
 و نم کس ناگرایس مبهالو احوال  
 دن نیم ماه کنعان کر بهازار  
 هوس نایج الملکون هجوم مبهال  
 گیس فل بند چس منزه خلس  
 فل کر سنه دانه یکن شس به پیغام  
 گیمها و امق دلدار پیدا  
 ویم کر گت بهیم دن بو ریانهور  
 بهیم بهور کر دن بو رلار ان  
 دن کر بهرم و انهم در برستان  
 به شچه دن دن بکوش شاه بهرم

داستان

این را می بیند که در این عالم  
 هیچ کس را نیست که از این عالم  
 بیرون باشد و از این عالم  
 بیرون باشد و از این عالم

سرانجام این عالم  
 سرانجام این عالم  
 سرانجام این عالم  
 سرانجام این عالم

این را می بیند که در این عالم  
 هیچ کس را نیست که از این عالم  
 بیرون باشد و از این عالم  
 بیرون باشد و از این عالم

این را می بیند که در این عالم  
 هیچ کس را نیست که از این عالم  
 بیرون باشد و از این عالم  
 بیرون باشد و از این عالم



[illegible]



نریم اسیر بی پستی کنایه  
 ننی نیری پام شهر دلدار  
 نهوکل بیم سیت پاشن کنایه  
 نترک میره از شاه شامان  
 نهوکل بامیت لبرانت گزشت غیب  
 و چھی کر کاخه اکماه در ملک عالم  
 کرن آخه جمله مردم چانو دیار  
 به پاش سیت نهاین خوب منظر  
 لدن چانوی مخالف زنده ارس  
 به نیم ژور دیوس دنده همراه  
 الوک دیش کنایه پس بنمکین  
 پزرس نم دن گزشتی کنایه  
 نه بوزت کر به دیون سخی الکاه  
 سٹاه نوید گوازو صل دلدار  
 دین یارب به مشکل آم دیش  
 نشان از به نشان گزشتی کنایه



[illegible]

۳۲

فصل در بیان کارهای  
شهری و روستایی  
و در بیان کارهای  
داخلی و خارجی  
و در بیان کارهای  
داخلی و خارجی  
و در بیان کارهای  
داخلی و خارجی

[illegible]







۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

۳۴  
 به سختی که گشت برین طراز  
 به طبعش سه مرتبه مستحق  
 و کج معنی و غرض و فواید  
 بر زبانها چون آب و شکر  
 نشسته بر کسب و کسب و حال  
 نشسته بر حسن و کبریا  
 زده و زدن از این همه  
 زاده و زدن از این همه

[illegible]



ز دل تن غشوی می کشد زین  
 ز دل تن غشوی می کشد زین  
 ز دل تن غشوی می کشد زین  
 ز دل تن غشوی می کشد زین

تسلی چویم نرسد گهت سر پای  
 دلش دوده موج شاید بوزه کت  
 دین نس دایه در دل حال چیم  
 حکم او روانه پس پیروای  
 سین بهرام بوزت شاد بسیار  
 به کت بوزت سین دلشاد و خرم  
 پس دایه سوگو در دم روانه  
 عجب داکش مکانه خوبت خاص  
 نگهبان نت مکانس فرج بسیار  
 کلید و بیت دایه فضل کر باز  
 آیهو بهرامنی و چه روی معشوق  
 سو لغره گو بگویش پیره داران  
 چیه ز ماران کم سنا دل لغره شوق  
 و چمن هر سو اچو کر کینسته نشان  
 ازان پس آدون بهرام و خوش  
 دین چمن ای بالی پوشه مالی

حکم نو دوباره سوزش ای  
 ز دل مشراو بهرامن محبت  
 زه گرفته حسن بانو کر نصحت  
 نمس از سر بانو تریدل مای  
 سوا از جان طالب دیار دلدار  
 پنه پنه دایه گو بالکل چویم  
 و چھون در باغ عالیشان مکانه  
 برت لعل گهر باقوت الماس  
 گذر باد صبادس تنو چویم و ثوار  
 سه زابیه پیش آن محبوب طراز  
 بهر یهوشی دین غم لغره شوق  
 سین آشفته در دم آیه لاران  
 و چمن آس مین لیره تخت نشون  
 سین غم پیره در حمله کیشان  
 کنهن دایه نه بانو به نهون گوش  
 گمز چھک اینز کت پٹ لا اوبالی

پایان پانی زهره  
 ضعیف انسان بویانه بویانه  
 کجاست بهار زمین کجاست  
 دین چمن ای بالی پوشه مالی  
 می به چمن ای بالی پوشه مالی  
 بی بی چمن ای بالی پوشه مالی

بیت او نرسد گهت سر پای  
 دلش دوده موج شاید بوزه کت  
 دین نس دایه در دل حال چیم  
 حکم او روانه پس پیروای  
 سین بهرام بوزت شاد بسیار  
 به کت بوزت سین دلشاد و خرم  
 پس دایه سوگو در دم روانه  
 عجب داکش مکانه خوبت خاص  
 نگهبان نت مکانس فرج بسیار  
 کلید و بیت دایه فضل کر باز  
 آیهو بهرامنی و چه روی معشوق  
 سو لغره گو بگویش پیره داران  
 چیه ز ماران کم سنا دل لغره شوق  
 و چمن هر سو اچو کر کینسته نشان  
 ازان پس آدون بهرام و خوش  
 دین چمن ای بالی پوشه مالی

بیت او نرسد گهت سر پای  
 دلش دوده موج شاید بوزه کت  
 دین نس دایه در دل حال چیم  
 حکم او روانه پس پیروای  
 سین بهرام بوزت شاد بسیار  
 به کت بوزت سین دلشاد و خرم  
 پس دایه سوگو در دم روانه  
 عجب داکش مکانه خوبت خاص  
 نگهبان نت مکانس فرج بسیار  
 کلید و بیت دایه فضل کر باز  
 آیهو بهرامنی و چه روی معشوق  
 سو لغره گو بگویش پیره داران  
 چیه ز ماران کم سنا دل لغره شوق  
 و چمن هر سو اچو کر کینسته نشان  
 ازان پس آدون بهرام و خوش  
 دین چمن ای بالی پوشه مالی



[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

سید محمد قاسم بن علی بن ابی طالب  
بن محمد بن علی بن ابی طالب

۳۶

میان عاشق و معشوق  
گرگاه کاهن را هم  
دین باطل پس آنکه سوز پیغام  
ازین شوره جانم محکم  
و یکین بد و دانه چو  
ازین اندیشه چرخ بهر  
ازین آتش سوز خدای  
ازین عاصک که در دوازده  
بیکدگر که یکدیگر



Srivastava

کلمه بر سر نهون گو غیب نه آن  
 دن چهی پان پانس پو کس کس  
 گل نازه چو زن فلت نسند  
 گز چک نازه اکنون نازه شد  
 مه لیو مت چو م نهی سیت  
 جنو نک دن کجیل چو ی نه و سر  
 مه و نوحی بر یون چو نازه باد  
 و نانی چک نه بیم خواب پریشان  
 نه دن دن ما و دای دی کفام  
 سپن نن زابر دن خورش خاور  
 و دای نس رنگ نشت نقش از رنگ  
 سپن پویش گو نقش پوار  
 سپن خوش دای از دن نشت زون هم  
 سیناه ناز نیناه ماه رخسار  
 همای نازه رخت چمن به زام  
 دنی دن مابه مالن جاسی خلوت

کلمه بر سر نهیون گو غیب نشا آن  
 دشن چهی بان پانس پو کس هفت  
 گل نازه چو زن فلت نشا ده  
 گتر چک نازه کنون رازه سدر  
 مه لیه مکت چوم نهی ای بیت ام  
 جنو نک ون کچیل چو هی ژو ودر  
 مه ونو محی بر یون چو مینا زه باور  
 ونانی چک زه بم جواب پریشان  
 زه ون نن ما و دای دی گفام  
 سپن نن را بر زن خورش خاور  
 و و و نش رنگ پشت نقش از رنگ  
 سپن بهوش گو یا نقش یوار  
 سپن خوش دای از زن نشا سن هم  
 سیناه ناز نیناه ماه رخسار  
 همای نازه رکت چمن به ردام  
 ونی ون مابه مالن جاسی خلوت



ز اسبخت و سوختن تنه از سوزش  
 ستمگاه گوشتاید و پشت و بی امام  
 انیس نرس نهف کردن نه بون مهره  
 شنه پر بان نرس گو حال پر بان  
 ممره باد را و کر هرگز به در دل  
 بهمه فافک دیو نیز تو بخوار بسیار  
 بین بهوس پوره شیرت شاه بهرام  
 ستمگاه ممره ذات پاکن کر ممره باری  
 نمای قصه و نرس بای ناسر  
 پی تعظیم نرس کر نه شرم  
 چه بون و کشت چاه ناه نور پر بان  
 ز سر تا پا چهیت نمشر سه صورت  
 بدل پالش و نرس کیما به تقصیر  
 نرس و پشت و پیشوی بازی نشاید  
 کرک نرس عذر نهایی ملجنه نه مال  
 چه کن بهس نم گهر و نیز تبارک



دچلو باژوبی کت کر مقرر  
 شهنشه در او در دربار به خیم  
 وزیر اعظم ستم باد اسرار  
 دین بهرام لسن کن زن نه همراه  
 بامادی گرم سوی دن سرفراز  
 حسابندی کرد فرما مقرر  
 بشهر سرفره ناول منادی  
 وزیرن دیون پالس سبت بهرام  
 پرستانن بهر سو دلو که اعلان  
 چو شاه سرفری دن کوه خاند  
 شهنش فراشنی کن دلو نه فرمان  
 هزاران خیمه در دم کر که بر پا  
 قضایت مای گوناگون رنگین  
 هزاره دپا طه کرسی مای در کار  
 وزن هر سو چجه باجه خوش نهانه  
 هزاران پر به آبه در پرستان

بگاه فلو کاش کهنه نور شب خاوار  
 ارش در پیش بسند معظم  
 کرن بر جمله سرفری واقف کار  
 سونو نشه پیر نهین با شمت و جاه  
 انن هزاره پیرن خلعت ناز  
 الو سامانه نه اسباب خاند  
 بازادی دیو دن وادشاهی  
 بصبح و شام نهوش باده در جام  
 بشهر سرفره دینو در گلستان  
 بجوادی چکن سوی لعل گوهر  
 کرپو دن فرش شاهی گلستان  
 بساط باغ از اکسونج دیبا  
 جوت در و جواهر بهر تر نهین  
 مرصع از جواهر مای بسیار  
 حسابندی کرک در محله خانه  
 گنات سامان یکن نم خوشتران



سپین سامر بیان  
چیزان سامر بیان  
۱۲۱



شکر کین درین باره ای  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین

شکر کین

شکر کین درین باره ای  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین

شکر نو در عماری پو خطه بازار  
 یک در پیش از اول اسب چهار  
 هزاران مشعل آتس فروزان  
 شهر بندر کوچ و بسیار  
 چرخ در گریختن و گنه دانه

دچمن کھا و نمش شخ نه بن راز  
 سواری درایه دن در باغ سرکار  
 چرخه دن پرت طرزه آتش از سوزان  
 چراغانه وزن بر در و دیوار  
 بلبل خوشنوا آتس غزل خان

### غزل خوان درین بیان بطریق وزن

شاه بهرامن درایه سواری  
 ناره در آره دل عشقه ازاری  
 سینس آیم میه رسم کاری  
 بکه کمان چمن کماناری  
 عاشق زال ام عشق ناری  
 دیداره چانه ز جکه بیماری  
 نس مشغول فتن لکزه ناپاری  
 مینه چمن نمشتری امیب واری  
 ماه کنگان یله کدکھ بازاری

طوطس میله دیناری  
 طوطس میله دیناری  
 مژه تیر دینه دار دیناری  
 طوطس میله دیناری  
 لاشک چمن بقیراری  
 طوطس میله دیناری  
 بس آیه نمش ساری  
 طوطس میله دیناری  
 بکه کرش خسری دیناری

شکر کین درین باره ای  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین

۲۱

شکر کین درین باره ای  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین

شکر کین درین باره ای  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین  
 کلاه عشقه عشق کین



۴۲

من پند و اندرز را از زبان  
دوران اسرار ایام جوانی  
جانی به چهره از ملک سلیمان  
همین همه دری بمانی یاد الوان  
کھون جهم یاد ایام جوانی  
بیاستن بیان ندیری چون ناله  
نشسته بر سر هر بازنده کن جنگ

[illegible]

داستان در بیان  
 جناب کردن شیخ محمد  
 بهرامی دیوبندیه و فیضیه  
 پیرانی راوی پیرینه انجیل  
 بهرام فاضل گوید بیاید  
 لفظ نام



جنگ اعلان نمودم شاه بهرس  
 و زن بهرامی مشکل چو بسیار  
 گزافم بر باد و آن منتهی است  
 و زن بهرام چو بس ایشاه عالم  
 باقبال تو نس و پس تو سر  
 زه که سالار و جس کن به فرمان  
 به کت بوزت سو شاه بهر گوشت  
 کمر بسته و آن نیرو سوی مینا  
 بحکم او تمامی درایه شکر  
 شه بهرام کهنه بر باد رفتار  
 زو شدوی موی پس غم ترا و دار  
 سفید سر خات گن که نه گندال  
 و نک بهرامی کن وقت ملاقات  
 و نک بهرامی سادی ایچو ال  
 زه گزه مینا ان جنگس روز محکم  
 بهین دم زلزلس و آن فوج گالو

خبر بخت شته بخت سپین رخس  
 بکر از تاب بادیان خود بخوار  
 بغارت مہ نیم اسباب خست  
 ز دیو بد بیز و دل دل مہ نہ غم  
 زہ خاطر جمع نہ و دل و کرڈر  
 کدین دل پیش شہید می بین  
 سپہ سالاری و اول تختی نادر  
 برای رزم پرو حمله سامان  
 سپین بر پانہ گوئی روز محشر  
 بجنگل گو از انجا زول نم نار  
 سپین لرزہ زمینس تن یکبار  
 سپین پیدا چہ شیر شہزہ در حال  
 سپین حاضر زہ کیا مطلب جان  
 سپین چہس غم مبر کنہ روزی حال  
 بمو اسل فوج ہن ساز می یکدم  
 زندہ نس ناکار س پوست والو

[illegible]

نیز و شمس  
سے باغ در ایہ چمن  
پری ہر طرف چمن ز جانیہ  
مستطوع چمن جنگل نمائش  
کرمی پت چمن ز رز سبز  
نبال چمن عبا و گلاب و نور  
نیران چمن

۴۴

[illegible]

پسین کن رو و اندر جنگ ملحق  
نشد پسین چهره فاقک دیو یاور  
همه کرد اسامی بدل هرگز به یاور  
فروغ پارس بویابی بدکم کار  
پسین و ملتس نیم دلو پارت  
پسین و ملتس نیم دلو پارت



[illegible]

به نام خداوندی که در این دنیا و آخرت  
 هر که را که خواهد که در این دنیا و آخرت  
 هر که را که خواهد که در این دنیا و آخرت  
 هر که را که خواهد که در این دنیا و آخرت

نمود دیوان قافیه حمله کر سخت  
سوار ارباب پتو پتو در او ناپچار  
شکسته فاش کشت سوی زار زار  
چهره قافیه دیو کس فحش بینان  
بهت بالو بین سی ماه دلخواه  
دیو پس بالو به امی بایخت پتو فیر  
گیس بیک کت کت کت کت کت کت  
دیو کت کت کت کت کت کت کت  
و کت کت کت کت کت کت کت  
سپس بد فرج ماره چھو مننه کنه در  
بهی نیت کت کت کت کت کت کت  
به دیشت دژ ز جان آن شیر  
و کت کت کت کت کت کت کت  
ا کت کت کت کت کت کت کت  
کت کت کت کت کت کت کت  
کت کت کت کت کت کت کت



خارج مملکت تھایں جو سالہ  
ہندوی شہر فارس پہنچیں یاد  
شہر شش مہ مہ دم فارس <sup>محبت</sup>  
بسوی محلہ خانہ گو سو راہی  
سوئی صحرا سو تہا در او خلوت  
سفیدہ دیو در دم گو نمودار  
لفارس ما تہا دن تابہ روز  
کران آس بسیر گو ہر تہاری  
نمن ویرانہ دل گو باز آباد  
شش مہ گو دوبارہ دینار  
شہر رت روزن پیران شہر  
دوان آسودا عیش کامرانی  
سواندر زندگانی آسودلشاد  
پنوفانی سید زین دار فانی  
پنولاکن تمامی دات در گو  
پنولاکن سین نم خاک با خاک

در میان خانم کتاب میگوید

در بیان حکمت  
بجاء التمام  
ابن التمام  
بجاء التمام

ببین احمد بن محمد بن یحییٰ بن  
سیدین احباب طایفین  
جمہ الدین

برای عاشقان و بیچاره دل‌های  
کرم باری می  
پوین

بعضی از کسان که در این عالم  
کنند به عیب و زشتی و فساد

کتاب الفیہ فی التفسیر  
تفسیر القرآن  
تفسیر القرآن  
تفسیر القرآن  
تفسیر القرآن

که اصل این مکتب در کتب  
نقد علی که بنابر این

بنی برین بنی برین

فیل و پیرانه حسن کرده ایاب  
خداوندانم و کرم و فکرم  
لاف بین و کرم و فکرم  
کم بین و کرم و فکرم  
گمت از جنت و کرم و فکرم  
نزهت و کرم و فکرم  
تسکین و کرم و فکرم  
دفع و کرم و فکرم



ایک

عنايت سوزنی مع شاه لاک  
شفیع المذنبین امام بن ابی حمزه  
امام المیقن بیدار مستواسوی  
شیر معبر ان جویب زندان  
مهر دوران و شاج حمله بیدان  
صلوات و تحیات  
۴۶

ماہنامہ سنی  
پیشہ کاران  
پیشہ کاران  
پیشہ کاران

حصو صا...  
مین ارکان...  
ربیع احمد یاری...  
...

کرم اظہار فی سبک  
صفت بیت کرامت بی بی زین العابدین  
دیوان حسن نام شیدان اکبر  
عقل زیب  
نعمت



بهر جا که می پند  
 ز مایه می پند  
 بشهر و قصبه و خوش  
 پیران و نو به منگهان گریه کردنی  
 سپین سرمه از این جوانان  
 جوانان یکدم که گشتند بیهوشی  
 چو گل از بوستان پند  
 بیان بدین صفات این گروهی

۷۴

بفرحت و انتادون تا ختامه  
تمس بپسار فرزندیکلان گو  
قد رعنا نشاء الله بش نام  
بامر حق مروت گو آخر کار  
لبون ایمان پرن کلمه گوی  
مهر گزده نو مید کانی چو می  
چو ابرو بهیچد پر شیرگان  
قضا می مولیس بیت رود راضی  
دردنی آتش نش سینه زدن  
مهران گوناوار بحران رفته رفته  
میان بسته پیر و زنت خنجر  
پنوراضی رسول محتبه گوس  
سوی دار البقا گو شا و ویر  
دلن نش وقت آخر زنت بان  
سدا هم ماه ذی الحج مقبرن نام  
پنممت پورنا آیام رحلت

کمر نازک بختان گوشت سرد  
کمر عفتی و قوتی از این کردگان  
کمر عتبه گون غنیم و مانع  
کمر نازاج بکنش خان مانع  
درین حسرتا بر زندگانی  
بهم برن از این یار فانی  
بهم عقلت کس عصیا بکست  
در بخارا راه که بهر همه است  
اول بندی نفس شیطان  
عصیان



مکتبہ اسلامیہ

کرم پور علی گڑھ  
مکتبہ اسلامیہ  
پتہ نمبر ۱۰۱  
لاٹھی پورہ علی گڑھ

بعض فقرہ سہ کلمات  
موسیٰ کرم  
از تصنیف سید  
موسیٰ شجاع  
در باب تائید  
کرامت علی بن ابی طالب

۴۸

باز جان کنه بستان کان اکبر  
بجانبی مبارک  
سر بکرم  
ه ماه جمادی الثانی  
بیت سامی پری  
مخدوم عابدی

اشخاص

بغفلت بے ہوا نفاس را دم  
دیبا کھنہ قدر زانمنہ وفتش  
دکھت وکھن پتو پتو س شیمان  
نہہ کاری کرم شرم رنگی جھم  
الہی پاوستا ہی جھی سزاوار  
الہی وصف پاکت انجم رحمان  
چہلک بد سارنی از آب حیرت  
مہ نہ سارن ذنوب نہ عیوب  
ژہ رستوی نابکار س کس خریدار  
بنو رنج و کرم روشن دلک شمع  
بر حمت ما و تم پانس کنوی پت  
کرم مہ مستلای عشق کامل  
الہی دوست مہانی واہ خیاک  
پہو ک از تنہ و شر زمانہ  
خدا یا خالق ہر دو پہان ثبی  
پہو ان ما در پدربہاوی عصیان

بدست است مہ کم دروانہ اوم  
ون پہوس شرم کران با سارن  
دکھت وکھن پتو پتو س شیمان  
نہہ کاری کرم شرم رنگی جھم  
الہی پاوستا ہی جھی سزاوار  
الہی وصف پاکت انجم رحمان  
چہلک بد سارنی از آب حیرت  
مہ نہ سارن ذنوب نہ عیوب  
ژہ رستوی نابکار س کس خریدار  
بنو رنج و کرم روشن دلک شمع  
بر حمت ما و تم پانس کنوی پت  
کرم مہ مستلای عشق کامل  
الہی دوست مہانی واہ خیاک  
پہو ک از تنہ و شر زمانہ  
خدا یا خالق ہر دو پہان ثبی  
پہو ان ما در پدربہاوی عصیان

باز جان کنه بستان کان اکبر  
بجانبی مبارک  
سر بکرم  
ه ماه جمادی الثانی  
بیت سامی پری  
مخدوم عابدی







891.441

521Q

**S.P. College Library,  
SRINAGAR.**

**DATE LOANED**

A fine of **one anna** will be charged for  
each day the book is kept overtime. **16002**

--	--	--	--



**SRI PRATAP COLLEGE LIBRARY**  
**SRINAGAR (Kashmir)**

## DATE LOANED

Class No. \_\_\_\_\_ Book No. \_\_\_\_\_

Acc. No. \_\_\_\_\_

This book may be kept for **14 days**. An over - due charge will be levied at the rate of **10 Paise** for each day the book is kept over - time.

[illegible]

FR  
ATAP  
GE LIBRARY  
AR.

College  
can borrow  
time and  
for one

...of the  
...a time,  
...books  
...any way  
...lost shall  
...for or  
...by the  
...orrower.